هواالعلیم

عرفان چیست، عارف کیست؟

هدف در مکتب عرفان

برگرفته از آثار:
حضرت علّامه آیت‌الله حاج سیّد محمد حسین حسینی طهرانی
و
حضرت آیت‌الله حاج سیّد محمد محسن حسینی طهرانی
و
حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمد بهاری
قدّس الله سرّهم

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم
بسم الله الرحمن الرحيم
و صلى الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین
و لعنة الله علی أعدائهم أجمعین من الآن إلی قیام یوم الدین
و لا حول و لا قوة إلا بالله العلی العظیم

هدف از خلقت انسان

منظور و مقصود از خلقت انسان مقام عبودیّت است، که انسان خودش را عبد مطلق پروردگار بداند و در صراط عبودیّت مطلق حرکت کند و بالتّبع آنچه که را در عالم وجود، از وجود و استقلال و حیات و علم و قدرت به نحو استقلال است، همه را تسلیم خداوند کند و اعتراف و اقرار کند که از آن خداست؛ آنچه فقر و ضعف و جهل و نیستی است، از ناحیهٔ خود اوست؛ انسان عبد مطلق پروردگار است، هم در مقام اصل وجود و هم در مقام عمل و تکلیف؛ و این، مقام انسانِ کامل و بزرگترین درجه‌ای است که خداوند علیّ أعلی به انسان عنایت می‌کند.

افرادی که در دنیا زندگی می‌کنند و دارای مذهب و شریعتی هستند مثل افراد معمولی، باید حرکت کنند و به این مقام برسند؛ انبیاء آمده‌اند ما را به این مقام دعوت کنند.[1]

[بنابراین] حرکت غائی انسان در نظام تکوین و تشریع، به سمت و سوی کمال مطلق است؛ و از آنجا که ذات اقدس حق نهایت جمیع کمالات و اصل کلیّهٔ ارزشها و تراوشات حقیقت وجود است، معرفت ذات پروردگار منتهای جمیع مراتب کمال و غایتهای انسانی خواهد بود.[2]

حقیقت عرفان

در ادیان ماضیه بالاترین مرتبهٔ تکاملی برای انسان، وصول به حقیقت کاملهٔ مبارکهٔ لا إله إلّا الله بوده است. وصول به این مرحله با فناء در اسماء و صفات ذاتیه میسّر است؛ زیرا مفهوم این کلمهٔ طیّبه نفی هرگونه تأثیر و مسبّبیّت در عالم اسباب و مسبّبات، و حصر حقیقت مؤثّر واحد در عالم وجود، و طبعاً نفی هرگونه عبودیّت در قبال عبودیّت حضرت احدیّت می‌باشد.

امّا در مکتب اسلام، شعار از مرتبه و مرحلهٔ لا إله إلّا الله فراتر رفته، و با اعلان کلمهٔ مبارکهٔ الله أکبر به

---

[1] آیین رستگاری، ص 26.
[2] حریم قدس، ص25.

آخرین نقطهٔ رفیعهٔ معرفت که به واسطهٔ فناء ذاتِ سالک در ذاتِ حضرت حق حاصل میشود، دستیافته است.

ادراک سالک واصل در این دگرگشته به معنای فناء ذاتی نبوده است، بلکه با وصول به حقیقت و مفهوم لا إله الّا الله خدای متعال را متّصف به حُضوت در عبودیّت و انحصار در تأثیر و علّیت و اجراء تمام آثار وجود به ذات اقدس حق که لازمهٔ توحید صفاتی و افعالی است، مینماید. امّا در مرتبهٔ الله اکبر دیگر تعیّنی وجود ندارد تا ادراک این معانی را بنماید؛ در آنجا تعیّن، تعیّن ذات اقدس حق است، و ادراک سالک واصل، نفس ادراک و علم حضوری حضرت حق خواهد بود، و هر کلام و فعلی که از شخص کامل در این مرتبه صادر شود، نفس کلام و فعل و اراده و مشیّت خدای سبحان است. و این مقام همان مقام صلوح است که در قرآن کریم به آن اشارت شده است.

این مقام اختصاص به رسول گرامی اسلام و اهل بیت عصمت و اولیای الهی در شریعت محمّدیه دارد، که با پیروی از دستورات رسالت اسلام و همّتی عالی و اخلاص عمل و صدق نیّت، یکی پس از دیگری از قلل رفیعهٔ عوالم معنا صعود نموده، تا بالأخره در مقام منیع توحید ذاتی از همهٔ شوائب کثرت در گذشته، و به نهایت ادراک حقیقت توحید افعالی و صفاتی و اسمائی، بلکه با محو ذات و انمحاء در حقیقت وجود بالصّرافهٔ حضرت حق، هیچ ردّپایی از تعیّن و تشّخص برای خود باقی نگذارند.

امیرالمؤمنین علیه السّلام در اینباره عرض مینماید:

«و أنِرْ أبصارَ قُلوبِنا بِضِیاءِ نَظَرِها إلیکَ، حَتّی تَخرِقَ أبصارُ القُلوبِ حُجُبَ النّورِ فَتَصِلَ إلی مَعدِنِ العَظَمَةِ، و تَصیرَ أرواحُنا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدسِکَ».[1]

وصول سالک به این درجه از معرفت که شهود ذات خود در شهود ذات اقدس حق است نه جدای از آن، عرفان مینامند.[2]

هدف در مکتب عرفان

در عرفاء مقصد فقط لقای خدا و فناء در ذات خدا و عرفان خدا است.

مرحوم آیت الله حاج سیّد احمد کربلائی قدّس سرّه میفرمایند:

«پوشیده نباشد بر طالب حق جلّ و علا که علاوه بر اینکه سائر اشیاء و موجودات غیر از حضرت حق جلّ و علا در عرض فنا و زوال است و لهذا شایسته مطلوبیّت نیست. ممکن بما هو ممکن را هیچ موجودی ذافع

---

[1] الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۳، ص ۲۹۹، مناجات شعبانیّه. اللهشناسی، ج ۱، ص ۶۳: «و چشمان دلهای ما را به نور و درخشش نظران به سویت نورانی کن، تا به جایی رسد که چشمان دلهای ما حجابهای نور را بشکافد و به معدن عظمت ْوصول یابد، و روحهایمان به مقام عزّ قدست و متعلّق گردد.»

[2] حریم قدس، ص 26 الی 28.

ن م ت سا ج اتحه ،ت سا ن کمه ن وچ ،وا ر یغ ی نک ض رف ه چنآ ر هه چ لاع و ّل ج ّق ح ت ر ضح ز ج ت سیند یفه و ر د ه ذ و ن امسآ ر د ه ذ و ن یمز ر د ه ذ وا ز ا ر یغ ی دوجوم چیه الذهل و .... لاع و ّل ج وا ت ر ضح ه ب ت اهجلا ع یمج الذهل ... لاع و ّل ج وا ت ر ضح ز ج درادن اناد و ل قاع ص خش ی ار ب ار ت ّیولطم ی گتسیاش ت رخآ ر د ه ذ و ا یند للها ل ق» ی اضتقه ه ب و ه دومن وا ز ا ر یغ ءایشا ع یمج ز ا ب لط ت ّمه و ر ظنِف ر صه ه ک ت سنانچ ل قاع ی ار ب ه تسیاش :د یوگب ،ه داد ر ارق [ب طاخه] ه سفنب و ه تالذب ار وا و ه دومن وا ر د ر صحنه ار ب لط ت ّمه «م هرذ ّمث

[1]«ه دیشچن ت بحم ه ک ه د ی سک ه ب اولح *** آنمت وت ز ا ر یغ ه ب م یرادن وت ز ا ام

ت ّیونعم ت مسه ب ت وعد ر د ا یند ۀفلتخم ب تاکم روظنم و دوصقم

ت مسه ب ح ول دمم ی تکر ح ن اونع ه ب ه چرگ ع بط م لاع و ه ّدام ءار وام ق یاقح ه ب ش یارگ و ت ّیونعم ه ب ه ّجوت ه ّجوت د یاب ی لو ؛ت سا ت ّقد و ت ّیمها زئاح ر ظنه طقن ی ا ز ا و ،د شاب ی م ی ونعم و ی ح ور ت لاامک و اهش زرا ر یسر ،د شاب ی م م اد ّرجت و ا نعم و ت ر وصو ه ّدام ب تارم ی اراد ی دوجو ت ّیثیح ز ا ن اسنا ه ک ر وطنام مه ه ک ت شاد .د شاب ی م ر یسر و ت ّیفیک ن یمه ه ب زیناتعم م لاع ه ب ءاقترا و وا ی دوعص

ی دارفا ً لاثم .د وشی م ه تفگ ت قیقح و ن طاب و ا نعم م لاع ،ن اسنا ی سفنو ی ح ور ب تارم ز ا ه ب ترم ر مه ه ب ه زور ما و ی توکلم ف اصوا ه ب م اوع و م درم ر ظنز ا ـ د شاب ح یحص ه چرگ ـ د نهدی م ر بخ ه دنیآ ی اهمدیدپ و ث داوح ز ا ه ک ای و .د وشی م ه داد ر ارق ن یریاس ز ا زاتمم و ی ر شب ب تارم ق وفام ن اناآ ۀبترا و ،د ندرگی م ف صّتم ی دّرجت ت لاامک ی اهلحرم و ی ر شب ق وفام ی تردق ه ب م اوع م درم ه اگدید رد ،د نزی م ت سد ی داع ر یغ روما م اجنا ه ب ه ک ی دارفا د یحوت و ن فل ها گدید ز ا ،ت داع ق راخ ل اعفا و روما ن یا م امتهک ی لاحرد ؛د نام تفایت سد دوجو م لاوع ز ا ی لاع ت ابقارم و ت اضایر ۀطساوه ب س نفذ ار یز .ت سیند ش یی اهچیزاب و درادن ش زرا ی زیشپ ،ه یلاع ت لاامک ن ابحاصو ی درف ه ک ی باوخ د ننام ،د باین ت سد دراد رارق دوخ ل صّتم ل اثم ۀبترم رد ه ک اهت ّیلعفه نوگن یا ه ب د ناوت ی م ی اه ژیو ف لاخ و ح یحص ر یغ ق یرط ز ا ب لاطن یا ه ب ل وصو اسب ه چ و ؛د وشی م ف شکنه وا ی ار ب ی ثداوح و د نیبی م ه ب ی لو ،د نشابی منز د قتعم ی هلا ع یارش ز ا ت عیرش چیه ه ب ه ک ی دارفا د نرایسب ه چ و .د ریذپ ت روصی هلا ی اضر ۀطساوه ب و ،د نشخب ت ّوق ی ردقار دوخ س نفذ نه تسناوت ی ناسفن ی اهتدهاجم و ت اضایر ی خرب ل امعإ ۀطساو ر اضحا و ت ابیغم ی خرب ر بع لاّطا .د نروآرد دوخ دایقنا و ف ّرصت رد ار ه ّدام ،ل اثم م لاع ر ب ی لامجا ۀرطیسو ر یخست ،ی داع ر یغ روما م اجنا و م اوع م درم س وفذ و ن اهذا رد ف ّرصت و ف راعت ر یغ روط ه ب ت کرح و ه ّیفخم ءایشا قَرِف ر یاس و ن اتسرپ ب زا م ه و د وشی م ی ّشمت م ی هلا ع یارش ه ب ن یمزتلم زا م ه ک ت سا ی لئاسم .ه شیبخ س وفذ و ه ّنجا و ن یطایشا ب ن یطبار و ه ّلاض

---

[1]. ۱۸۰ ،۱۷۹ ص ،۱۳۷۵ ،م ق ،ی دنوادخ ت ارا شتنا ،ن یقتملا ۀرکذت

و تیّونعم تمسه بت وعد رد امیند هفلتخم بتاکم روظنم و دوصقم هکدومن تّقد رامیسب دیاب نیاربانب ملاکو امیز مومهفم نیا تشپرد ار یفدهه چو ،تسا یتیاغو دصقم عونه چ ،تعیبط ءاروام ملاع و نانسا نطاب هکی تلیضف ؟دوشیم بوسحم نانسا یارب یتلیضف یروما نینچه بیابیتسد فرصایآ ؟دننکیم لابند نیشنلد هبنانآ یمامتنداز احورچورخابو ،دنامیم یقاب نانسا یارب گرم ماگنه اتطقفنآ تیبلّذجو شزرا رابتعا .[1]دوشیمه درپس نایسنه توبو یدوبانو ءانفت سد

نافرعبتکم لباقم رد فلتخم تاشیارگ

یربخبذاجو تداعقراخروما و تامارکریاسزا ،تسا قحتاذیقحت خانشه کنافرعبتکم رد تییلها یاشمم و تّنسزا یوریپو ملاسا تعباتم ابدوجو تقحرارسا فاشکنا ربطقفو تسین و سوفنربعلاطا و بیغزا رابخإ زامّعا ،یداعریغروما هبرگید یاهبتکم هکیلاحرد ؛تسا زکرمتم ربمایپ و نآ لاثما و ایمیکل یصحتو یوینده ماطحو لام نردوآ تسدهبو ءایشا یدامّص اوخو هدام ملاعرارسا فشکک و تمسن یا هبدارفا نردوآرد تکرحهبو وا روهظنامز نبیعتو (هجرفللها لّجع) رصعم اما یرهاظت خانش هّجوت ،دیحوت لها و نافرعناگرزب [اما] ،دنزادرپی م تداعقراخ لاعفا م اجنا و ضرلاًیط نردوآ تسدهب هب ،لصوبایاز رهوجضیوعتو رمعهٔیامرسن داد ردهه بو وا نارسخبجوم لاعتم یادخهبزجار کلاسا .[2]دنرمشیم تسپو شزرایبیاهگنس

،انعم ملاوعزا داعتبا و عبطم لاعهبقّلعتهٔطساوهب ،موموعوخهبرشبسفنهکتساجنیا تّقد لباقهٔتکن هسبلأ و تابورشم و تلاوکأم زامّعا یوینده روما و تایّدام لیصحت رد اریناسفنت ایهتشم و تآذلهکنانچمه نیمه ،دننکیمنزاذگورفیششوکچیهزانآ هبلوصویاربو دنادیم اهنیاریاسو تاسایر و بکارم و نکاسم و بابنم .دننکیم هدهاشم یداعریغروما و یخزربو یروصّس اوحهٔیاد رد اریونعم تآذلهبلوصو روط هچنانچنکیلو ؛دنوشیم عمجوا رود هبهمه ،دریگتسد هبنوسفا ابار یرامیدرفدننکهدهاشم رگا لاثم هّجوتوا هبرتشیرفدنچ ،دننکناییار دیحوتو دوجوم لاعقیاقحزا یتقیقحدهاوخهقیقد هدرادقمهبیدرف .دنوشیم هدنکارپوا رود زا همهو دننکیمن

ثداوحو لئاسمهبدسر هچ اتا ،فرعاتم ریغروما زا تسا یاهنونمنیرتکچوکو نیرتمک لاثمنیا سّس اوحهبروما نیا یمامتهک ،ضرلاًیطو یّدامروما رد تاقرصتو هّیفخروما رابخإ زا رتریگمشچو رتلاباب زا یناسفنیاهباجحفشکو دیحوتو نافرعم لاوعو اهنیا نیبو ؛دنیامنیم تشگزابنانسا یلاثمو یخزرب

---

[1] .36 یلا34ص ،سدقمیرح

[2].76 ص ،سدقمیرح

.تسا هلصافنامسآ اتنیمز

و دنرادروخربیّصاخشزرا و تهاجو زا مدرمنایمرد دارفا زا هتسدنیا هکدوشیمهدهاشمادلا و تفرعمو دیحوتلها زا رتشیب ،نانشناگدرکلیصحتهچو یّماعهچ ،مدرمفلتخمیاههدوتزا ارنانآ فارطا[1] .تسا رادروخربیرتشیبتییاّلذجزا مواعیاربنانآ تبحصروضحو ،دنامهتفرگربرد

یزورما هئنایماعگنهرفردتفرعمونافرعحلاطصافیرحت

ایوگو ،دوشیمقلاطا دارفا زا هتسدنیا ربزورما هئنایماعگنهرفردتفرعمونافرعحلاطصا هناقسأتم و یمسا دهاوخبیفراعرگا و ؛ددرگیمرصحنمصاخشانیا رد طقفیتسهملاعهنُکهبلوصو و تخانش و زورب زجیاهراچ ،دیامنفوطعمدوجوتقیقحیوسهبارصاخشاهّجوتو درادنگبیاجهبدوخزا یمسر .درادنرومنیا زا یاهراپروهظ

لماکفراعیاهیگژیو

:دنیامرفیملماکفراعیاهیگژیونابیردیناریطهملاعموحرم

کلاسیاربنیقیروطهباتلأمو لأخردوا ابتقفارمو تبحاصمهبرگمدوشیمنهتخانشّماعداتسا اما ،رشبدارفا رطاوخرارسا و تابیغمربعلاّط و ،تادادعاقراوخروهظهبأدبا و ،دوشریگتسدوا نیقیو تّیعقاو یمنبئاجعو بئارغنیا لاثما و هتشذگو هدنیآ زا راضحتسا و ،ءاوهلا و ضرلاّیط و ،شتآ و بآ ربروبعو ّدحرساتاجنآ زا و دوشیملصاحهّیحورئفشاکمئبترمردهمهاهنیاهکاریزدربشبحاصلوصوهبیپناوت و ،تسیندادتسا دوشنادیپهّینابرهّیتاذتایّلجتدادتسا ردهکیماگنهاتو تسا رودتیاهنهبهار ،لامکو لوصو .تسنادلامکو لوصوزا فشاکارامهآ و درکافتکاناوتیمنزینهّیئامسا و هّیتافصتایّلجتدّرجمهب

تایحو تردقایملعو دنکهدهاشمدوخرد ارادخترفصکلاسهکتسنآ یتافصیّلجتزا روظنم ،تسا عیمسوا و هدینشادخهکدنککاردا دونشیمهکاریزیچًلاثم .دنییبادخترد قو ملعو تایحارد وخ دنکقوذادخهبرصحنمارملعناهجردایو ،تسا ریصبوا و هدیدادخهکدنککاردا دنییبیمهکاریزیچو .دنکهدهاشموا ملعسفنهکلبوا ملعهبدنتسمارید وجومرهملعو

،ریصب ،عیمس ،ملاع ،مئاقلثم دنتسهوا تاذهبدنتسمهکادخترفصهکتسنآ یئامسا یّلجتزا دارمو تسالاعتمیادخوا و تسایکیمَلاعردملیعهکدنییبًلاثم .دنکهدهاشمدوخرد ارادنهیا لاثما و ریدقو ّیح هدنزو ّیحهکدنککاردایا .تسادخنددوبملیعنیعوانددوبملیعهکلبدنییبملیعوا لباقمرد ارد وخرگد و َسْیَلَا» هکدنکنادجومرخلأابو .سبو تسادخهدنزهکلبتسینهدنزًلاصاوا دوخو تسادخوا و تسایکی

---

[1] .36ص ،نامه

«.َسَّدَقَتَو یَلاعَتَوُه اِّلاِ یَحْلا َو ُمیلَعْلا َو ُریدَقْلا

نییرد یاهزلا چیه و ،درگت روصه یهلا ءامسا زا ضعب صوصخ رد ی ئامسا یّلجت تسا نکمه یّتبلا .دنکی یّلجت ءامسا هّیقب دیاب اًمتح درک ی یّلجت مسا ود ی کی ک لاسرد نوچ هک تسین

ی م ل صاح ی تقو نآ و ،دیامن ی یّلجت ک لاسرد ی لاعت ی راب ت رضح س ّدقم ت اذ هک تسنآ ی تاذ ی یّلجت اما زا دوجو م لاعرد ی رثا و هدرک م گار دوخ ی لکه ب رگید ت رابع ه ب و ،دشاب هتشذگ م سر و م سا زا ک لاسه ک دوش رگید ع قوم ن یا رد .«ُهللا اِّلاِ کاَمُهَسْیَلَو» دشاب هدرپس نایسن ک اخ ه ب ه رابکی ار دوخ ت یّدو خ و دوخ و دباین دوخ ع مط زونه ت سیقاب ک لاسرد ی تسه زا ی اّرذ اتاریز دوب دهاوخ نز ّوصتم ی صخش نیچ ی ار ب ی هار م گ و ل لاضِ ک لاس ی لاعت و ک ار ب تللا ل وحب ه ک ی تقو ی لو دراد ار وا ی اوغِا و ل لاضِا دیما و ت سا هدشن ع طق وا زا ن اطیش رد مَرَح س ابلا هدش دراو ادخ م رح رد و داهنت وهلا م لاعرد م دق و دیچیپ م هرد ار ت یّصخش و ت یّدو خ طاسبا م اع دات سا .دنیشنی م ت رسح رد و هدنکوا زا ار ع مط ن اطیش دمآ ف ّرشه ّینابر ه ّیتاذ ت ایّلجت ه ب و درک ب .ت شگ داقنم و ع یطم و درپس رس ن اوتن ی سکره ب ّلا و دسرب ل امک زا ه ب تره ن یدب دیاب

دنهجن آ زا ی کی ن ارا ز ـه ر ا ز ه زا ه ک *** ت سا ن ابایب ن یا م اگ ر ه ه ب م اد ر ا ز ه

اعّدا ی دوهشو ف شکو دهدی م ه ئارا ی تعاضِب و دنکی م ه ضرع ی عاتم ه ک ی سکره ل باقم رد دیابن ن یارباتب .دروآ دورف م یلست رس دیامن ی م

ن یرتدودعه ه لمج زا ـ ه یلعُ ءللا ن اوضر ـ ی نارهط ه ّئلاَم ،ل صاو ک لاسو ل ماک ف راع ،ام دلاو م وحرم ت ّمه و ی عسم امتو ،ت سا هدش هدید ت ردنه ب ن اشیا رد ت اداعق راوخ زا ه نوگن ی ا زور ب و روهظ ه ک دوب ی ئافرع و دیحوت م لاعرارسا ه ب ل وصو و ق حت فرعم ت مسه ب دارفا م وم ع و ن ادرگاش ه یجوت و ه ّجوت ت ایحل وط رد وا ت ّیصخش زا دیجمت و ف یرعت دصرد ه زورما ه ک ی صاخشا زونه ،ه ّلک ک لذ ع م ن کیلو ؛دوب ت یلاو و دّرجت نودب ایوگ و ،دنتسه ت ایح ن امز رد وا ی داع ریغ روما ن درک وگزاب ل ابند ه ب ،دنیآ ی مرب درمگ رزب ن یا ی ئانثتسا !دنام ی منز ی قاب ن اشیا ی ار ب ی تلزنم و م اقم ،ن اشیا زا ث داوح ن یا رودص

.دراد و ه تشاد دوجو ی فرع و ی م لاع ف لتخم ع ماوج ن ییرد ن ونکا ت ن امز ریز زا ه تسویپ ط لاغگ نهرف ن یا و مدهاشم روما ن یا زا ی اهراپ زارباردار ح لاصی هلا ف راع دوخ ،ی تایضتقم و ح لاصه ب انب دراوم ی ضعب رد ی لب ت اسر ت یاغ و دصقم ه کنیا ه ن ا ،ت سا ه دوب راوتسا دصقم و روحم ن یا ر ب ی هلا ی ایبنا ئزجعم ه چنانچ ؛دنکی م .دشاب ه دوب ف دهو ه طقن ن یا ه ب ن دیسر ی هلا ج جحو ن ارب مایپ

ن ازیم ه ک ت ساجنیا زا ر تشیب ت اداعق راوخ و ت اروهظ ی ارادارفا ردت فرعم و دیحوت زا ّظحن دوب رتمک .ت شاد دهاوخ ی گتسب ت اداعق راوخ رودص و روهظ رادقم ه ب ی هلا ی افرع ی دوجو ب تارم ت ّیلعف و ل ماک ت :دندوم رفی م اهراب ـ ه ّرس ُهللا س ّدق ـ ی نارهط ه ّئلاَم وحرم

؛ت سا رتمک دیحوت م لاوعک ارادا و ت فرعم زا وا ب یصنو ّظحم ،دشاب رتشیب وا زا روما ن یا روهظ ه ک درف رهز

،دشابرتنوزفاوادوجوردیهلاتافصوءامسابتارمقّحقتنازیموترتشیبوایدوجوئعسهکیسکرهو
،تسا قحتررضحنافرع،دیحوتوتفرعمل‌هادصقماریز !دوبدهاوخرتمکحاوزاروماننیاروهظوتازورب
.دشدهاوخنلصاحروماننیابمهمنیاو

اتدنیامنیمرارکشآنانآیاربروماننیازارتمک،یلاعفدهنیایوسهبمدرمنداتکرحیاربالذلو
.دندرگنراتفرگیخزبروصویئنابّسا‌وحمادردودریگنوخلئاسمنیاهبنانآسفنوننهذ

لوصوزاردوختسدودناهدنامنانواتانوزجاعراگدرورپدیحوتکاردااوقحتفرعزاهکنانآاماو
روماهنوگنیازاربازجیاهراچدوختمسهبماوعهّجوتیاربدنبایمگنارادوخیاپوهاتوکایلئعوزنالدب
مالاوعنانآیوسوتمسهچرگ،بتاکمریاسونافرعبتکمنییقرفتسانیاو .تشادداهاوخدوخزا
.دشابهدوبعبطوهّدامءاروام[1]

دیحوتتقیقحونافرعهبلوصویلصاطرشعرشنیزاومعیمجقیقتیاعر

یهاونورماوازاتاعاطوتعیرشتاروتسدزاتعباتمنودبقحهبنافرعهکاجنآزاملاساببتکمرد
مامتدیابهجردنیاهبلوصویاربللهاییلإکلاسدشابیمعنتممولاحمّلسوهلآوهیلعللهایّلصمرکایبن
فیلاکتوضیارفماجنازایاهّزدهدومنومهبومسّدقمعرشمالکحاونیزاومتیاعرربارردوخمامتهاویعس
نامههبدیامنلامهاوهحماسمفیلاکتنایتإهبتبسنهکرادقمرههبتسایهیدب .دیامننیهاتوکهروئأم
.تساهدومنمورحمارردوخ،یلامکتادادمعتساجیاتنوتّیلعفبتارمبیصنزارادقم

:دناهدومرفقحیایلاوویهلایافرعزانآگرزبالذلو

کاردانافرعۀبترمهبلوصو ّمتأوحنهبهدراوفیلاکتنایتاوعرشنیزاومعیمجقیقتیاعرنودب
.دشابیمقبطنمیخیراتنئارقودهاوشابًلاماکبلطمنیاو ؛دوبدهاوخلاحمدیحوتتقیقح

فلاتخابهعیشردهچوهّماعوتّنسلهاردهچیملاسافرحنمیاههقرفزایرایسبمینییمالذلو
لمعتیاعرزاتسد،نطابوتقیقحهبیبایهاریاعّدابوهدمآراتفرگناطیشۀسوسورد،یداقتعابتارمرد
هبهاگآانویدتبمدارفایاربارنآ،هتشادنپفیلاکتماجنازازاینیبارداوخودناهتسشعرشمالکحاونیزاومهب
یلاحرد ؛قحتفرعهبنیلحتنموهّیفوصفلتخمفئاوطزاهریغوهّیلیعامسادننام،دننادیممزلایئنابرورما
.تسینیرگیچیرگیلاُبالاویرابودنبیبوفیلکتزارارفزجبلاطمنیامامتهک

هبارایندمدرمزاریئکیعمجناهذاهزورماهکقلخمالاعتقیحقونطابهبتافتلاوانعمالاعهبّجوت
یاهتللاضواهیشایعواهینارسوهربیشوپرسیاربهّلاضقرفریاسهکهچنآابتسا هتشادفوطعمدوخ

---

[1] 41 یلا 37 ص ،نامه

[1].دراد یرهوجو ویّلکتوافتدنشابیمنآتابثا ددصرد دوخ

نافرعو فوصت

ءوسبجوم،نافرعبتکمهبایندلها زا یاّدعباستنا هکنیاتسا تّیمها زئاحبابنیا رد هکهچناّ دنچ یریگارفو دوخ یرهاظ لیامشرییغتابنانیا ؛تسا هتشگتفرعم و دیحوتلها هبدارفا زا یرایسبّنظ تیاعر و یعرشبادآنتشادگاپریزابیّتحاسبهچ،قلخزا لازعنا و دهز هبرهاظتو نافرعلها زا حلاطصا حلاطصا هزورما .دنا هتشگیهلایلیوا و افرعمارم و بتکمهبنیریاسیبیدبجوم یرهاظمامکحا و فیلاکت .تسا هتشگتوافتمنانابز یسرافصوصخهبنیمزقرشمگنهرفرد فرعابیفوص

دوجوملاعتائیفخفشکو قحسدقاتاذ یدوهشکاردا نآ و ،تسا یکیفّوصتو نافرعتقیقح .تسا یروضحملعو یبلقتریصبابا

:دندومرفیمنینچ یضاقیلعدّیسا قآ ،قلاخا دیحو داتسا هبعجار ینارهطهّملاعموحرم

رد و ،لیلجیملاعو میظعیهیقفهّیرهاظمولعرد ینعی ؛دوبنافرعو ملعهّبنجود یارادیضاقموحرم تعیرشو نطابو رهاظنایمعمجو ،هدومنیطار هعبرا رافسأهکدوبلماکیناسنا و لصاویفرافعهّینطابمولع .دوبهدومنیربهرقیقحّتلایلعتقیقح یداو هبهملکلایلعمامتبار وا ،تقیرطو

و دنتخادرپیمهقفلوصالّصفهو لئاطلابیاهثحبو یرهاظبتکنتشونهبهتسویپهکیلاملعهب .دومنیمحیبقتارهقیرطنیا دوخنادرگاشدزنرد و تفرگیمهدرخ ،دنامیمیهتتفرعمزا نامشتسد هجیتّنلابا

و دوبدربنو هضرامعرد تخس ،دنهدیمنتیّمها عرشرهاظهبهکیاهقّوصتمو شیوارد ابنیچمهو :دومرفیم

نیضقانتمایو نیّداضتمنایمعمجو ،تسا قیرطو هارسفنهکتعیرشهبیانتعامدعابادخهارکولس» «.تسا

رما نیا رد فرشاف جنرد هکدوباشوکو یعاستاهورکمکرتو تابحتسمنایتا رد یردقهبشدوخ و دنتشادنارتقیقحو رونزنیاشباتاترددقهکینامشچروکو نیدنامعزا یضعبهکیروطهب ؛دوبلثملابرض ةطساوهبدنناوتباتو دنیامنیمهنلا و دنوشیمتافایشیبو مکمهفجنرد صخلأابو اهمزوحرد همیهم :دنتفگیمدننکخسمارهتسراویناسنا و لیلجیفراعیقیقحةرهچدنهاوخیمتاماهّتا

رد همهبشو هّماعنذزلوگیاربیضاقتاهورکمکرتو تابحتسمهبمازتلا و تدابعو دهزةجردنیا» «!!تسینمزتلمو تسینددقتعمزیچچیهبهکتسایفوصکیو هنرگو ،تسا قیرط

---

[1] .32 یلا 29 ص ،سدقمیرح

!«أَيفوصلا ُهيقَفَنوكيناُلجَّرلا َمعِن» :یضاقیاقآ

دّیسیاقآ للهاةیآ ماوحرمهلمجزا ،ثیدحوهقفیاملعوعجارمزایرایسبهکمیظعیسلجمردیزور
ابیضاقماوحرم ،دوبلدبودّرناشنایمردماکادندوبامهریغویقارعنیّدلاءایضاقآویناهفصانسحلاوبا
:دندومرفدنونشبهمههکیروطهبدنلبیادصِ«نعمَ الرّجُلُ أن یَکونَ فَقیهًا صوفیًّا». اهلشملابرضدننام ،نیاو
.دنامیاجهبیضاقماوحرمتاماکزا

مادزایریگولجقیرطوهرامأسفنیاهارهبمالعیّنعییفوصو ؛مالکحاوتعیرشهبمالعیّنعیهیقف
ولوّطلااوذنآنمراگدرورپودومحمّبرطاخیاضریاربیناسفنتایهتشمابدهاجموزرابموناطیشیاه
.ینارهطهٔمّلاعمالاکیهتنا ـ .ناسحلإا

ودوهشوحنهبقحتاذتفرعمردرصحنمطقفیهلایایلوا وللهابیافرعنیایمامتتقیرطوبتکم
بئاوشواهتّینانامیمجضفرواینمالعتارابتعاهبابپتشپوسفنبتارمزاروبعابهکتسایبلقکاردا
لئاذراگدرورپتاذتفرعمهبهّیرونبجحوتملظمالوعزاروبعوللاجولامججرادمّیطوهرامأسفنز
.دناهدرکتوعدتخانشوتفرعمنیاهبارنارگیدو ،دندیزگیوأموا سدقمیرحردوهدمآ

فّوصدونافرعهٔصرعردتسرپایندورآکموللاتحمیاهّدعندشادیپ

لباقمردودندمآدیدپیروژنایفسنوچمالسلاامهیلعهّمئانامزردرکموهعدخوایرلهاز ایخربامأ
،ایندزاضارعإودهزویریگهشوگهبرهاظتابودندومنعمجدوخرودهبارمدرم ،تراهطویحوبتکم
نابحاصومسانیامادبجومیفوصبقلابو ،دندروآمهارفماوعمدرمیاربارجاجوعافارحنا هٔصرع
ودیحوتلهاز اهتسدودرهو ،تفایرارمتسانانچمهخیراتلوطردهلئسمنیاو ؛دنتشگاهنآیعقاوویلصا
.دندیسرروهظهبهصرعنیاردتسرپایندورآکموللاتحمدارفاودوهش

رگاهکیّنعمنیدب ،تسایکیناونعودنیاقالدصمهکتسانآربهدیقعارنفبابرازایرایسبالذلو
شیوردویفوصوفرارقلاطا ،دشابللهابءاقبوللهابءانثوقحسدقاتاذیدوهشکاردا ،نافرعزادوصقم
هراپمامجناوتاحلاطصازایخربربظافتحاًفرصروظنمرگاو ؛تسایعقاوویقیقحیقلاطا ،نآدجاودرفهب
فرحنمدرفربزاب ،دشابتعیرشیاحلصزانآگرزبواملعربداریاویریگهشوگودهزهبرهاظتودارواز ایا
.دوشیمقلاطانآونعهسرهر ،روماّنیاهبرهاظتمو

یناددمهیلقنیسحّلامدنوخآموحرمهبیفوصقلاطا

داتسا ،قلاخایّبرموللماکفرارللهاةیآموحرمهبتبسن ،رهاظلهانیمّمعمزایاّدع :دنکیملقن
ردو ،دندمآربنانشیاءالذیادصردودنتشادادوریتشزواورانیاهتبسن ،یناددمهیلقنیسحّلامدنوخآ ،ّلکلا
خساپردیناییرشموحرم .دندومنبابطخیفوصنآونعهبارواـتقودیلقتعجرمـیناییرشموحرمهبیاهماذ

:دومرفنانآ

ةلمجزا زیزارمل امتعیدلدخ شاکیا ،تسا نآ قدصم دنوخآ لثم یتّیصخش هکتسا نآ یفوص رگا
[1]!دادیم رارق هّیفوص

[1] .82 یلا 76ص ،سدقم یرح